

## بازخوانی نظری مفهوم «هویت»

محسن لطف‌آبادی<sup>1</sup>

### چکیده

پرسش از هویت یکی از مهم‌ترین و در عین حال چالش بر انگیزترین پرسش‌ها در حوزه علوم انسانی است. این منازعه در عرصه‌های مختلف مباحث هویت مطرح است: اینکه هویت چیست؟ چگونه شکل می‌گیرد؟ از چه عناصر و مولفه‌هایی تشکیل شده است؟ ذاتی (طبیعی) است یا عرضی (مصنوعی)؟ ثابت است یا متغیر؟ چه سطوحی دارد؟ نسبت این سطوح با یکدیگر چیست؟ و غیره. در جهان امروز مسأله هویت جدی‌تر از گذشته مطرح گشته و یکی از مهم‌ترین مسائل جوامع امروزی را در بر می‌گیرد. امروزه تکاپوی جوامع در شناسایی عناصر و مولفه‌های هویتی خود بیشتر شده است، به طوری که برخی از جوامع قدرتمند با در اختیار گرفتن رسانه‌های جمعی و ارتباطی در صدد اشاعه این عناصر بر جوامع ضعیف‌تر هستند. طبیعتاً جامعه‌ای که نسبت به هویت خویش و مولفه‌های آن آگاه نبوده در برابر این جوامع قدرتمند رنگ می‌بازد و بحران‌های هویتی گریبانگیر آن خواهد شد. این جستار فرصتی برای نگارنده است تا به بررسی مسأله هویت و مبادی و مبانی آن بپردازد که کمتر مورد توجه تاریخ‌نگاران قرار گرفته است. **واژگان کلیدی:** هویت، هویت فردی، هویت جمعی، هویت ملی.

## A Theoretical Reading of the Concept "Identity"

Mohsen LotfAbadi<sup>2</sup>

### Abstract

The problem of "identity" is one of the most important and most controversial in social sciences. The controversy has occurred on many problems such as: what is identity? How is its process to forming? What are its elements? Is it natural or artificial? Is it fixed or changeable? What modes it has? etc. in the contemporary world, more than ever, the problem of Identity has become a very important and controversial for all nations. All societies are endeavoring for finding their Identity elements. So by having an authority on the mass media, powerful countries try to propagate their own identity to the weaker societies. This paper is an opportunity for the writer to pay attention to the problem of Identity, its foundations and its principles.

**Keywords:** Identity, national Identity, individual identity, mass Identity

1. دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ دانشگاه شهید بهشتی

2. MA Student of the History of Islamic Iran, Shahid Beheshti University. **E-Mail:**

[Mohsenlotfabadi@yahoo.com](mailto:Mohsenlotfabadi@yahoo.com)

## مدخل

کلمه هویت (معادل Identity در زبان انگلیسی) از نظر لغوی به معنی «هستی، وجود، ماهیت و سرشت» و ریشه لغوی آن از واژه «هو» گرفته شده که اشاره به غایت، نهایت و کمال مطلق دارد<sup>3</sup> و در حوزه انسانی موجب شناسایی فرد و اجتماع از دیگری می‌شود؛ یعنی مجموعه خصائل و خصوصیات رفتاری که از روی آن فرد به عنوان یک گروه اجتماعی شناخته می‌شود و از دیگران متمایز می‌گردد.<sup>4</sup> این تعریف دو معنای اصلی و متناقض دارد: اولین معنای آن بیانگر تشابه مطلق است: این با آن مشابه است. معنای دوم آن به مفهوم تمایز است که با مرور زمان سازگاری و تداوم را فرض می‌گیرد. به این ترتیب، مفهوم شباهت از دو زاویه راه می‌یابد، و مفهوم هویت به طور همزمان میان افراد و اشیاء دو نسبت محتمل برقرار می‌سازد: از یک طرف شباهت و از طرف دیگر تمایز.<sup>5</sup>

انسان از زمانی آغاز به شناخت خود کرد، مسأله هویت برایش مطرح گردید.<sup>6</sup> هویت، فرآیند پاسخگویی آگاهانه هر فرد یا قوم یا ملت به پرسش‌هایی از «چیستی شناسی و کیستی شناسی» خود است، از گذشته خود که، که بوده، چه بوده و چه هست؟ به عبارت دیگر متعلق به کدام قوم، ملت و نژاد است، خاستگاه اصلی و دائمی‌اش کجاست، دارای چه فرهنگ و تمدنی بوده و چه نقشی در توسعه جهانی داشته و امروزه صاحب چه جایگاه سیاسی - اقتصادی و فرهنگی در نظام جهانی است و بالاخره ارزش‌های ملهم از هویت تاریخی او تا چه حد در تحقق اهداف اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه مورد بحث کارساز خواهد بود.<sup>7</sup>

- 
3. محمد معین، فرهنگ فارسی، ج 4 (تهران: امیرکبیر، 1379)، ص 5228. مدخل «ه»؛ علی اکبر دهخدا، لغت نامه، ج 15، زیر نظر محمد معین و سید جعفر شهیدی (تهران: دانشگاه تهران، 1377)، مدخل «ه»، ص 23596.
  4. محمدرضا تاجیک، «جهانی شدن و هویت»، هویت ملی و جهانی شدن (تهران: موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی / دانشگاه تهران، 1383)، ص 29.
  5. ریچارد جنکینز، هویت اجتماعی، ترجمه تورج یاراحمدی (تهران: شیرازه، 1381)، ص 7 - 5.
  6. محمدرضا تاجیک، «هویت ایرانی؛ فرصت‌ها و چالش‌ها»، گفتارهایی درباره هویت ملی در ایران، گردآوری و تدوین: داود میرمحمدی (تهران: موسسه مطالعات ملی، تمدن ایرانی)، ص 302.
  7. داود هرمیداس باوند، «چالش‌های برون مرزی و هویت ایرانی در طول تاریخ»، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی (شماره 130 - 129، سال 1377)، ص 20.

در نظام هویتی اجتماعات لایه‌های متعددی وجود دارد که میزان تعلق به برخی از لایه‌ها، بیشتر و واضح‌تر از لایه‌های دیگر است.<sup>8</sup> انسان‌ها از لایه‌های متفاوت هویتی در سطح قوم، محل، شهر، کشور و غیره برخوردارند. این لایه‌ها وقتی گسترده‌تر می‌شوند که افراد از عضویت در گروه‌های مختلف اجتماعی نیز برخوردار باشند. بدون تردید هر یک از این عناصر بر هویت فرد تاثیر گذارند و وی نسبت به آن‌ها حساس است. این لایه‌ها در تعامل با یکدیگرند و با انباشت‌شان بر روی یکدیگر در مجموع هویت کلی فرد را شکل می‌دهند.

همان‌طور که ذکر شد هویت، مشابهت‌ها (اینکه چه گروه‌هایی مانند ما هستند) و تفاوت‌ها (اینکه چه گروه‌هایی مانند ما نیستند) را مشخص می‌کند. ما ممکن است در برخی از مولفه‌های هویتی خود با گروهی مشابه و در بسیاری جنبه‌های دیگر از دیگران متمایز باشیم. در این شکل برخی از عناصر هویتی تا اندازه‌ای خصلت انتخابی نیز پیدا می‌کند و فرد در برگزیدن آنها مختار است.<sup>9</sup> بنابراین همچنانکه اریکسون اشاره می‌کند وقتی هویت انتخابی شود میزان آگاهی نیز از آن بیشتر است.<sup>10</sup> میشل فوکو نیز در بحث تبارشناسی، هویت را «تمایز نقاب‌ها» می‌داند؛ به عبارتی تمایز آدم‌ها را در تفاوت هویت‌شان می‌داند؛ یعنی هویت در مقابل «غیریت» قرار دارد.<sup>11</sup>

### معناساز بودن هویت

هویت نقش «معناسازی» را چه در سطح فردی و چه در سطح اجتماعی بر عهده دارد. به این تعبیر هویت مفهومی است که در دنیای درونی یا شخصی را با فضای جمعی اشکال فرهنگی و روابط اجتماعی ترکیب می‌کند. هویت‌ها معنایی کلیدی هستند که ذهنیت افراد را شکل می‌دهند و مردم به واسطه آنها نسبت به رویدادها و تحولات زندگی خود حساس می‌شوند. بنابراین، هویت مربوط به ذهنیت مشابهی است که فرد با دیگری دارد. به قول استوارت هال<sup>12</sup> هویت مربوط به افرادی است

---

8. نورالله قیصری، «هویت ملی؛ مولفه‌ها، چگونگی پیدایش و تکوین آن»، گفتارهایی درباره هویت ملی در ایران، گردآوری و تدوین: داود میرمحمدی (تهران: موسسه مطالعات ملی، تمدن ایرانی، 1383)، ص 96.

9. Questioning identity: gender, class, nation, edited by kath woodward (New York: Routledge, 2000), p 6-7.

10. Erik Erikson, «the problem of ego identity», identity and anxiety (New York: the free press, 1960), 51.

11. علی بیگدلی، «سیر تحول و تکوین هویت ملی در ایران»، گفتارهایی درباره هویت ملی در ایران، گردآوری و تدوین: داود میرمحمدی (تهران: موسسه مطالعات ملی، تمدن ایرانی)، ص 175؛ محمد علی اکبری، تبارشناسی هویت جدید ایرانی (عصر قاجار و پهلوی اول) (تهران: علمی و فرهنگی، 1384)، ص 323.

12. Stuart Hall

که مشابه هم حرف می‌زنند، فکر می‌کنند و از احساسات مشابهی برخوردارند.<sup>13</sup> مانوئل کاستلز<sup>14</sup> نیز هویت را همچون فرایند ساخته شدن معنا بر پایه یک ویژگی فرهنگی یا یک دسته ویژگی‌های فرهنگی که بر دیگر منابع برتری دارند، تعریف می‌کند. به نظر او همانگونه که نقش‌ها کار ویژه‌ها را سازمان می‌دهند، هویت‌ها هم معنا را سازمان می‌دهند.<sup>15</sup>

معناساز بودن هویت بر ساختگی بودن آن نیز دلالت می‌کند. معنا خاصیت ذاتی واژه‌ها و اشیا نیست، بلکه همیشه نتیجه توافق یا عدم توافق است. بنابراین، معنا می‌تواند موضوع قرارداد باشد و بر سر آن به مذاکره و گفتگو نشست. پس هویت نیز چیز طبیعی، ذاتی و از پیش موجود نیست، بلکه همیشه باید ساخته شود. انسان‌ها باید همواره چیزها یا اشخاص را طبقه‌بندی کنند و خود را داخل آن طبقه قرار دهند. به بیان دیگر هویت را فقط می‌توان از طریق انکار آگاهانه ابهام و کنار گذاشتن تفاوت‌ها کسب کرد.<sup>16</sup>

### استمرار و تمایز

«استمرار»<sup>17</sup> و «تمایز»<sup>18</sup> خصیصه دیگر هویت‌هاست و بیشتر هویت‌ها از این دو ویژگی برخوردارند. گرچه این دو معنا متضاد به نظر می‌آیند، در اصل به دو جنبه اصلی و مکمل هویت معطوف هستند. بر پایه این دو معنی، هویت را می‌توان به احساس تداوم و پیوستاری بی‌مانندی یا متمایز بودن از دیگران مربوط دانست. به عبارتی، هویت داشتن یعنی احساس تمایز، تداوم و استقلال شخصی داشتن، یا فرد احساس کند همان است که بوده و دیگران نیستند.<sup>19</sup> در این معنا هویت فرد به سادگی تغییر نمی‌کند و همواره خود را در کنار «دیگری نبودن» می‌یابد.<sup>20</sup> پس این ادعا که موجود یا فردی هویت دارد، بدین معناست که آن موجود یا فرد مانند دیگر وجودهای مشابه است و در عین حال چونان موجود یا فردی متمایز، خاصیتی یگانه دارد. به بیان روشنتر، هویت یعنی کیفیت یکسان

13. محمدرضا تاجیک، «جهانی شدن و هویت»، ص 30.

#### 14. Manuel Castells

15. احمد گل محمدی، جهانی شدن، فرهنگ، هویت (تهران: نشر نی، 1381)، ص 225.

16. همانجا.

#### 17. Continuity

#### 18. Differentiation

19. احمد گل محمدی، «گفتن‌های هویت ساز در عصر جهانی شدن»، هویت ملی و جهانی شدن (تهران: موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی/ دانشگاه تهران، 1383)، ص 61.

20. سعیدرضا عاملی، «دو جهانی شدن و آینده هویت‌های همزمان»، هویت ملی و جهانی شدن (تهران: موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی/ دانشگاه تهران، 1383)، ص 44.

بودن در ذات، ترکیب و ماهیت و نیز یکسان بودن در هر زمان و همه شرایط. هویت داشتن یعنی یگانه بودن، ولی از دو جنبه متفاوت: مانند دیگران بودن در طبقه خود و مانند خود بودن در گذر زمان.<sup>21</sup>

هویت همچون مفهوم فرهنگ، جامعه و ملت دارای خصلت زمانی و فرا نسلی است؛ یعنی تداوم زمانی و نسلی دارد. از یک سو ریشه در گذشته مشترک و از سوی دیگر رو به آینده مشترک دارد.<sup>22</sup> گسست از هویت گذشته ممکن نیست، چرا که هر حالی مبتنی بر گذشته است و هر آینده‌ای هم ترکیبی است از گذشته و حال و گسست کامل ممکن نیست. برای مثال ما در اوج غربی شدن هم بسیاری از ویژگی‌های شرقی و سستی اخلاقی خودمان را حفظ می‌کنیم؛ پس خصلت آمیزشی و ترکیب اجتناب‌ناپذیر است. عناصر مختلف امتزاج پیدا می‌کنند و هویت مرکبی را به وجود می‌آورند. هویت امری متصلب و ثابت نیست، بلکه همواره از نو ساخته می‌شود، همچنانکه هویت قدیمی نیز بر پایه هویت‌های دیگری از نو ساخته شده و دارای ترکیبات پیچیده‌ای بوده است.<sup>23</sup> بنابراین، بر پایه این دیدگاه هویت امری انباشتی و تراکمی است و در «فرآیند زمان» شکل می‌پذیرد و در «طول تاریخ» تغییر و تحول پیدا می‌کند.

از نظر استوارت هال، با نگاه هگلی، هویت روندی در حال شدن است و از طرفی شناسنامه و عاملی برای شناخته شدن محسوب می‌شود. هال هویت را «ریشه خود و بستر عمل» تعریف می‌کند و از نظر او نگاه روانشناسی به «خود» به این معنا نزدیک است، نگاهی که خود را یک «من ادامه‌دار، توسعه‌ای و در عین حال یک خود دیالکتیکی درونی» تعریف می‌کند.<sup>24</sup> به واقع، هویت‌ها، موجودیت‌های متصلب و یکپارچه گوهرینی نیستند که مثل یک تنگ بلورین باشند و در نتیجه وظیفه ما انتقال آنها از نسلی به نسل دیگر باشد. هویت‌ها در چارچوب و گذر زمان ساخته می‌شود. همچنین هویت‌ها در جریان تحولات تاریخی و چکش خوردن‌ها، آبدیده می‌شوند.<sup>25</sup>

در این مفهوم بکارگیری الگوی رودخانه بهترین مقوله شناسایی و بازشناسی بحث هویت است. هویت به رودخانه قابل تشبیه است، زیرا همانند رودخانه در بستر زمان و مکان جاری است. از

21. گل محمدی، «گفتمان‌های هویت ساز در عصر جهانی شدن»، ص 61 - 60.

22. داود میرمحمدی، «مقدمه گفتارهایی درباره هویت ملی در ایران»، گفتارهایی درباره هویت ملی در ایران، گردآوری و تدوین: داود میرمحمدی (تهران: موسسه مطالعات ملی/ تمدن ایرانی، 1383)، ص 12 - 11.

23. حسین بشیریه، «توسعه سیاسی و بحران هویت ملی»، گفتارهایی درباره هویت ملی در ایران، گردآوری و تدوین: داود میرمحمدی (تهران: موسسه مطالعات ملی/ تمدن ایرانی، 1383)، ص 290.

24. عاملی، ص 45 - 44.

25. جهانگیر معینی علمداری، «هویت ملی، رویکرد انتزاعی به خرده فرهنگ‌ها»، گفتارهایی درباره هویت ملی در ایران، گردآوری و تدوین: داود میرمحمدی (تهران: موسسه مطالعات ملی، تمدن ایرانی، 1383)، ص 67.

یک‌سو تداوم دارد، و گرنه در صورت انقطاع دیگر رودخانه نیست، اما در عین حال از تحول برخوردار است، زیرا در مسیر خود هم از مناطق جغرافیایی متعدد با مختصاتی مانند هموار، شیب‌دار، پر پیچ و خم، خاکی، سنگی، شوره‌زار و علف‌زار می‌گذرد و از طرفی بسته به زمان و فصل سال قوت، سرعت و میزان آب رودخانه کم و زیاد می‌گردد. این دو عامل یعنی مکان و زمان، به تصویری که از رودخانه داریم ویژگی تناقض‌نمای ثبوت و تغییر، ماندگاری و تازگی، و تداوم و تحول می‌بخشد. این نگرش تناقض‌نما، یعنی تداوم و تحول، اولین و مهم‌ترین خصیصه هویت است. بدون تحول، هویت از یک‌سو به درجا زدگی دچار می‌شود و از سوی دیگر امکان ابتکار از نسل‌هایی که بعداً خواهند آمد، گرفته می‌شود. در عین حال اگر تداوم نباشد امکان شناخت یکدیگر، ارتباط با همنوع، احساس جمعی و ارتباط با گذشته امکان‌پذیر نخواهد بود.<sup>26</sup> بنابراین، هویت‌ها همیشه چندگونگی و سیالیت را پذیرفته و مایل بوده به مدل‌های مختلف رجوع نماید. به همین دلیل از انسداد گریزان است.<sup>27</sup>

### رویکرد جوهر‌گرا و سازه‌گرا

از مفهوم هویت دو تلقی مهم صورت گرفته است. تلقی اول به مسأله هویت از دیدگاه «جوهری» نگاه می‌کند؛ یعنی برای هویت یک وجه طبیعی قائل است و بنابراین به دنبال پیدا کردن ریشه‌های طبیعی و جوهری برای هویت می‌باشد. این دیدگاه تا حدودی دارای جنبه تباری و نیاکانی است و طبعاً سعی می‌کند مفهوم هویت را با منشأ زیستی و حتی طبیعی توضیح بدهد.<sup>28</sup> این رهیافت معتقد است هویت‌ها - اعم از سطح فردی یا جمعی آن - و عناصر و مولفه‌های سازنده آن، اموری ذاتی و طبیعی هستند و تحت شرایط مکانی و زمانی، کمتر دچار تغییر می‌شوند. این دیدگاه که بر ثبات و تغییرناپذیری هویت‌ها تأکید می‌کند، به «جوهر‌گرایی» معروف است.<sup>29</sup>

رویکرد جوهر‌گرایانه، در بنیاد، به وجود هسته سخت و پایداری در هویت انسانی اعتقاد دارد. این هسته سخت، خصوصیتی را به نحو ذاتی و جبری در هویت انسانی پدید می‌آورد. هر فرد - در رویکرد فرد‌گرایانه - و هر جماعتی - برابر رویکرد جامعه‌گرایانه - دارای هسته هویتی سختی است که هویت او را پدید می‌آورد، قوام می‌بخشد و از توالی تاریخی برخوردار است.<sup>30</sup>

26. فرهنگ رایجی، مشکله هویت ایرانیان امروز: ایفای نقش در عصر یک تمدن و چند فرهنگ (تهران: نشر نی، 1382)، ص 67.

27. محمدرضا تاجیک، «هویت ایرانی؛ فرصت‌ها و چالش‌ها»، ص 299.

28. معینی علمداری، ص 43.

29. قیصری، ص 90؛ تاجیک، «هویت ایرانی؛ فرصت‌ها و چالش‌ها»، ص 302 - 301.

30. اکبری، ص 319.

در طرف دیگر، دیدگاه «سازه‌گرا» قرار دارد. این دیدگاه که اخیراً بیشتر مورد توجه قرار گرفته و حداقل در دنیای غرب جزء نظرات حاکم در مورد هویت است، هویت را بیشتر به عنوان یک «شالوده یا سازه اجتماعی» در نظر می‌گیرد و تأکیدش بر این است که هویت جنبه ذهنی دارد نه طبیعی. یعنی ساخته ذهن بشر می‌باشد و از این نظر نه وجه جوهری، بلکه وجه «گفتمانی» پیدا می‌کند. بر مبنای این تلقی از هویت، هویت‌ها در جریان مراودات و آمیزش‌های اجتماعی شکل می‌گیرند، نه اینکه از قبل به صورت دسته‌بندی شده وجود داشته باشند. طبعاً در چنین تلقی‌ای، هویت مفهوم سیال‌تری پیدا می‌کند و بسیاری از عناصری که قبلاً به صورت اخلاقی یا مفهومی به آن نسبت داده می‌شد از آن زدوده شده و به جای آن بر «مرزبندی و غیریت‌سازی» تأکید می‌شود.<sup>31</sup>

در این رویکرد، هویت «کارناوال متغیر و متحرکی» است که همواره در ارتباط با جریان‌هایی که ما نماینده یا مخاطب‌شان واقع می‌شویم، و از طریق نظام‌های فرهنگی که ما را احاطه کرده‌اند، شکل می‌یابد و تغییر می‌کند. برابر با این رویکرد، هویت‌ها «فرآورده‌هایی تاریخی‌اند.» هویت انسان از لحاظ تاریخی و اجتماعی معلق در فضا است و به وسیله کردارهای تاریخی تغییر سمت می‌دهد. بنابراین از این منظر، که به هویت از روزه تاریخی نگریسته می‌شود نه زیست‌شناختی، از انسان ذاتی و هویت ذاتی نمی‌توان سخن گفت.<sup>32</sup>

### هویت فردی و هویت جمعی

هویت دارای سطوح مختلفی است. این سطوح ممکن از کوچکترین سطح هویتی یعنی هویت فردی تا بالاترین آن یعنی ملت و حتی جامعه جهانی را شامل شود. با وجود این، در مجموع هویت را به دو سطح فردی و اجتماعی تقسیم می‌کنند و هر سطح از عناصری تشکیل می‌یابد که احساس تعلق انسان‌ها به آن متفاوت است. بخشی از این عناصر، بنیادهای هویتی فرد را تشکیل می‌دهند، از این رو، فرد نسبت به آنها حساسیت بیشتری دارد و واکنش آشکارتری نشان می‌دهد؛ تا آنجا که تعرض به آنها را بر نمی‌تابد.<sup>33</sup>

هویت فردی که عمدتاً در حوزه روانشناسی مطرح است، با دو مفهوم «شخصیت»<sup>34</sup> و «خودشناسی»<sup>35</sup> در ارتباط تنگاتنگ است. نوع اندیشه، گفتار، کردار، عادات، احساسات، و بسیاری از

31. معینی علمداری، ص 44: تاجیک، «هویت ایرانی؛ فرصت‌ها و چالش‌ها»، ص 302 - 301؛ حسین گودرزی، جامعه شناسی هویت در ایران (تهران: موسسه مطالعات ملی، تمدن ایرانی، 1384)، ص 9 - 8.

32. اکبری، ص 421.

33. گودرزی، ص 8 - 7.

عنصر درونی دیگر، شخصیت و هویت یک فرد را تشکیل می‌دهد. در شکل‌گیری شخصیت فرد عناصر مهمی نقش دارند. یکی از مهمترین این عوامل، محیط طبیعی است. به عنوان مثال شخصیت فردی که در نواحی گرمسیر و کویری زندگی می‌کند با شخصیت فردی که در نواحی معتدل و یا سردسیر زندگی می‌کند، متفاوت است. البته نباید از عامل مهم وراثت نیز در شخصیت فرد غافل شد. بر همین اساس همه افراد شخصیت خاص خود را دارند و هیچ دو فردی را نمی‌توان یافت که شخصیت کاملاً مشابهی داشته باشند.

خودشناسی فرایند شناخت استعدادها، مهارت‌ها، علایق، گرایش‌ها و بسیاری دیگر از ویژگی‌های درونی «خود» و یا به عبارت بهتر «چیستی و کیستی خود» است. به تعبیری دیگر، خودشناسی، شناخت «خودیت خود» است. فرد با شناخت این خلیقات درونی به هویت شخصی خویش نیز آگاهی پیدا می‌کند. فروید در تحلیل‌های روانکاوی خود این آگاهی را به دو سطح «هشیار و ناهشیار» و یا به عبارت دیگر «خودآگاه و ناخودآگاه» تقسیم می‌کند.<sup>36</sup> در این فرایند «من» در مقابل «غیر» قرار دارد. در خودشناسی شناخت فرد از «غیر» به اندازه شناخت «من» اهمیت دارد. در واقع ارتباط او با غیر به وی کمک می‌کند تا از جایگاه و منزلت خود آگاهی بیشتری پیدا کند و رابطه خود را با محیط پیرامون به بهترین شکل تنظیم کند. بنابراین در این تحلیل «خودشناسی» و «غیرشناسی» دو روی یک سکه هستند.<sup>37</sup>

در این چارچوب بسیاری از نظریه‌پردازان شخصیت، هویت را در درجه نخست محصول احساسات و تمایلات فردی و شخصی می‌دانند. تمایلات و احساساتی که قابل تفکیک از تمایلات و احساسات متعلق به دیگران می‌باشد. به همین خاطر برخی از آن‌ها بر این باورند که «هویت» عبارت است از احساس خود یا به تعبیر دیگر شناخت و درک خود که در رابطه با دیگران و در متن فضا و زمان معین شکل می‌گیرد.<sup>38</sup> در چنین حالتی بین شخصیت و هویت یک رابطه مستقیم وجود دارد و شخصیت نقش ارزنده‌ای در برجسته کردن هویت ایفا می‌کند.<sup>39</sup>

جاکوبسن<sup>40</sup> نیز در تاکید بر هویت فردی چنین اظهار می‌دارد: «هویت عبارت است از احساس تمایز شخصی، احساس تداوم شخصی و احساس استقلال شخصی.» بنا به این تعریف و

### 35. Self Identity

36. Sigmund Freud, «Consciousness and What is Unconscious», *Identities: Race, Class, Gender, and Nationality*, edited by Lina Martin Alcoff and Eduardo Mendietta (United Kingdom: Blackwell press, 2003), p 29-31.

37. قیصری، ص 90.

38. بابک شمشیری، درآمدی بر هویت ملی (شیراز: انتشارات نوید، 1387)، ص 20 - 19.

39. بیگدلی، ص 172.

<sup>40</sup>. Jacobson



همچنین تعریف قبلی مسألهٔ هویت، همان مسألهٔ شخصیت است و هویت عبارت از احساسی است انسان نسبت حیات روانی خود دارد و یگانگی و وحدتی که در مقابل اوضاع و احوال متغیر خارج، همواره در حالات روانی خود حس می‌کند.<sup>41</sup> بنابراین، مفهوم هویت فردی از منظر غالب دیدگاه‌های روانشناسی حائز دو بعد اساسی می‌باشد که عبارتند از بعد شناختی و بعد احساسی. به تعبیر دیگر، هویت هم دربردارندهٔ جنبه شناختی است، چرا که احساس هویت محصول نوعی درک و آگاهی است و هم جنبه احساسی را شامل می‌شود، چرا که این درک و آگاهی به نوبه خود موجب برانگیخته شدن احساسات و عواطف معینی در فرد می‌گردد.<sup>42</sup>

ضمیر «ما» که در ارتباط تنگاتنگ با «هویت جمعی» است آن را از هویت فردی متمایز می‌سازد. افراد از طریق عضویت در گروه‌ها - در مقیاس‌های مختلف - دارای هویت جمعی می‌شوند. آنها می‌توانند معتقد باشند که به گروهی تعلق دارند و به این ترتیب «من» را به «ما» تبدیل کنند. این اعتقاد می‌تواند آنها را به گروه‌های مطلوبشان در ارتباط با دیگران (اجتماعی شدن) سوق دهد.<sup>43</sup> ریچارد جنکینز<sup>44</sup> در تعریف هویت جمعی می‌نویسد: «هویت جمعی به شیوه‌هایی که به واسطه آنها افراد و جماعت‌ها در روابط اجتماعی خود از افراد و جماعت‌های دیگر متمایز می‌شوند اشاره دارد و برقراری و متمایز ساختن نظام‌مند نسبت‌های شباهت و تفاوت میان افراد، میان جماعت‌ها، و میان افراد و جماعت‌هاست.» جنکینز همچنین در جای دیگر در تفاوت میان هویت فردی و هویت جمعی می‌گوید که هویت فردی بر تفاوت‌ها و هویت جمعی بر شباهت‌ها تاکید دارند.<sup>45</sup>

از نظریه‌پردازان دیگر هویت اجتماعی جرج هربرت مید<sup>46</sup> است. به اعتقاد مید، هر فرد خود خویش را در ارتباط با گروه‌های اجتماعی مطرح می‌کند و خود او الگوی کلی رفتاری گروه اجتماعی‌ای است که او به آن متعلق است و آن را انعکاس می‌دهد. خود فرد زمانی به وجود می‌آید و وارد تجربیاتش می‌شود که خودهای دیگران وجود یابند و وارد تجربیاتش شوند. بنابراین، از دیدگاه مید، خود فرد تنها از طریق روابط معین با افراد و گروه‌های اجتماعی دیگر شکل می‌گیرد و گرایش‌ها

---

41. شمشیری، ص 20.

42. همانجا.

43. Peter Herriot, *Religios Fundamentalism and social Identity* (New York: Routledge press, 2007), p 28.

44. Richard Jenkins

45. جنکینز، ص 7 و 34.

46. George Herbert Mead

و علائق او را شکل می‌دهد.<sup>47</sup> بعدها تاجفل<sup>48</sup> با اتکاء به این رهیافت، بررسی روشمند رابطه برداشت‌های افراد از خود و از طبقه‌های اجتماعی که آنان و دیگران به آنها تعلق دارند را ممکن کرد. از دیدگاه تاجفل، هویت جمعی عبارت از آن بخش از برداشت فرد از خود است که از آگاهی او نسبت به عضویت در گروه‌های اجتماعی دیگر سرچشمه می‌گیرد. تاجفل معتقد است مردم بیشتر خود را تحت عنوان هویت جمعی و کمتر تحت عنوان هویت فردی طبقه بندی می‌کنند.<sup>49</sup>

بدین ترتیب، روانشناسان اجتماعی و جامعه‌شناسان بر این واقعیت تاکید می‌کنند که احساس هویت فردی به واسطه دیالکتیک میان فرد و جامعه شکل می‌گیرد. آنها کم و بیش می‌پذیرند که هویت معمولاً در نگرش‌ها و احساسات افراد نمود می‌یابد، ولی بستر شکل‌گیری آنها زندگی جمعی است. هویت اجتماعی نمود یافته در شخصیت، جدا از دنیای اجتماعی دیگر افراد معنایی ندارد. فردها بی‌همتا و متغیر هستند، ولی شخصیت‌ها کاملاً به صورت اجتماعی و به واسطه مراحل مختلف اجتماعی شدن و اندر کنش اجتماعی ساخته می‌شود.<sup>50</sup>

## هویت ملی

در پایان این بحث باز کردن مفهوم «هویت ملی» برای فهم بهتر موضوع خالی از فایده نخواهد بود. هویت ملی در مقایسه با هویت جمعی مفهومی جدید است که از زیر ساخت‌های اندیشه مدرن است و ریشه‌های آن را باید در «هستی‌شناسی انسان مدرن» بازیافت.<sup>51</sup> در جوامع سنتی، درک عمومی از عالم، به مثابه یک نظم کیهانی که ریشه در اقتدار مطلق خداوند دارد باعث می‌شد تا جوامع مزبور یکپارچگی خود را حفظ کنند. خصلت بشر در این جهان مقدس عبارت بود از گردن نهان بر موهبت‌های اجتماعی و طبیعی. از همین رو، طبیعت چیزی بود غیر قابل تعبیر و حاوی شرایط روزمره. هویت افراد نیز عمدتاً با نقش اجتماعی آنها - که تابع خیر همگانی بود - یکسان بود. گزاره «من فکر می‌کنم، پس هستم» دکارت، نوید بخش عصر جدید در تاریخ آدمی بود. «من» دکارتی یا «من اندیشه‌گری» به مثابه فاعل شناسا یا موضوع دانش در کانون فلسفه غرب و فرا

47. George Herbert Mead, «The Self,» *Identities: Race, Class, Gender, and Nationality*, edited by Lina Martin Alcoff and Eduardo Mendieta (United Kingdom: Blackwell press, 2003), p 40.

48. Tajfel

49. گل محمدی، جهانی شدن، هویت و فرهنگ، ص 223.

50. همان، ص 223 - 222.

51. علی بیگدلی، «جهان معاصر: دولت‌های مدرن و هویت ملی»، نشریه زمانه (فروردین و اردیبهشت 1387، ش 67 و 68)، ص

روایت مدرنیته نشست و «هستی» ای را موجب شد که به عنوان تعریف مقبول انسان و انسانیت عصر جدید پذیرفته شد. «خود مدرن» به منزله فاعلی خودمختار جلوه کرد که دلیل وجودی خود را در هستی خود جستجو می‌کرد نه در اصولی متعالی و ورای اجتماع.<sup>52</sup>

این تعبیر بیانگر تغییر بنیان‌های اندیشگی انسان مدرن است که با مبانی اندیشگی انسان سنتی در تفاوت بود. از سوی دیگر، این تغییر را می‌توان در سطحی گسترده‌تر یعنی در نظام حکومتی جوامع مدرن نیز دید که نقش زیادی در شکل‌گیری هویت ملی داشتند. در شکل‌گیری هویت ملی تحولات سیاسی و اقتصادی اروپا در قرون جدید (قرن شانزده و هفده) نقش بسزایی داشتند. این دوران، دوران شکل‌گیری دولت‌های ملی است که از قرن نوزدهم این پدیده به سرزمین‌های شرقی نیز راه یافت.<sup>53</sup> همان‌طور که اشرف و آشوری نیز اشاره می‌کنند هویت ملی هنگامی پدید می‌آید که «ملت» و «پروژه ملت‌سازی» به معنای امروزی شکل گرفته باشند.<sup>54</sup> در این شکل تعیین منابع هویتی و شاخص‌های شکل‌دهنده آن در بین دولت‌ها آگاهانه‌تر می‌شود و مردم نیز نسبت به این منابع آگاهی دارند و حاضر به فداکاری در پیشبرد آن هستند. همچنین، همبستگی ملی نیز میان اعضای جامعه موردنظر بیشتر می‌شود و اهداف و خواسته‌ها به سمت و سوی مشخص جهت داده می‌شوند. بنابراین هویت ملی بدون پیدایش «ملت» شکل نخواهد گرفت و در وابستگی به آن است. در ایران می‌توان ریشه‌های شکل‌گیری هویت ملی را از دوره قاجار و جنبش مشروطیت پی‌گیری کرد.

## نتیجه‌گیری

تا پیش از دوره مدرن یعنی دوره سنت می‌توان از هویت جمعی بحث کرد و اطلاق هویت ملی به این دوران قابلیت انطباق ندارد. شکل‌گیری جوامع در دوره سنت به صورت ارگانیک بود و به لحاظ هویتی، مولفه‌هایی مشخص این جوامع را از یکدیگر متمایز می‌کرد. در این چارچوب، افراد این جوامع نسبت به عناصر هویتی خود، آگاهی چندانی نداشته و هویت‌ها تا حدود زیادی حالت جبری داشته‌اند. در دوران مدرن برخلاف دوره سنت، هویت‌ها از جنبه کاملاً طبیعی خود خارج شده و شکل مصنوعی‌تری یافتند. در واقع با تغییر در بنیادهای اندیشگی انسان مدرن و همچنین با پیدایش دولت‌های ملی، هویت شکل آگاهانه به خود گرفته و دولت‌ها در بازتولید و تغییر عناصر هویتی نقش

52. محمدرضا تاجیک، «انسان مدرن و معمای هویت»، فصلنامه مطالعات ملی (س، 6، ش 1، 1384)، ص 12 - 11.

53. بیگدلی، «جهان معاصر: دولت‌های مدرن و هویت ملی»، ص 14.

54. احمد اشرف، «هویت ایرانی»، مجله گفتگو، (ش 3، فروردین 1383)، ص 8؛ داریوش آشوری، «هویت و پروژه ملت‌سازی»، مجله مدرسه (ش 2، پاییز 1384)، ص 5.

مهمی داشته‌اند. در این دوران مولفه‌های هویتی جوامع از انسجام بیشتری نسبت به جوامع دوران سنتی برخوردارند و احساس تعلق اعضای این جوامع نسبت به سرزمین و جامعه خود آگاهانه‌تر و بیشتر است. دولت‌ها و تدابیر سیاسی نقشی مهم در شکل‌گیری این روند داشته‌اند.

### کتابنامه

- آشوری، داریوش. «هویت و پروژه ملت‌سازی». مجله مدرسه. ش 2. پاییز 1384.
- اشرف، احمد. «هویت ایرانی». مجله گفتگو. ش 3. فروردین 1383، ص 26 - 7.
- اکبری، محمد علی. تبارشناسی هویت جدید ایرانی (عصر قاجار و پهلوی اول). تهران: علمی و فرهنگی، 1384.
- بشپریه، حسین. «توسعه سیاسی و بحران هویت ملی». گفتارهایی درباره هویت ملی در ایران. گردآوری و تدوین: داود میرمحمدی. تهران: موسسه مطالعات ملی، تمدن ایرانی، 1383، ص 298 - 279.
- بیگدلی، علی. «جهان معاصر: دولت‌های مدرن و هویت ملی». نشریه زمانه. فروردین و اردیبهشت 1387. ش 67 و 68.
- \_\_\_\_\_ «سیر تحول و تکوین هویت ملی در ایران». گفتارهایی درباره هویت ملی در ایران. گردآوری و تدوین: داود میرمحمدی. تهران: موسسه مطالعات ملی، تمدن ایرانی، 1383، ص 187 - 173.
- تاجیک، محمدرضا. «انسان مدرن و معمای هویت». فصلنامه مطالعات ملی. ش 6. ص 28 - 9.
- \_\_\_\_\_ «جهانی شدن و هویت». هویت ملی و جهانی شدن. تهران: موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی/ دانشگاه تهران، 1383. ص 38 - 25.
- \_\_\_\_\_ «هویت ایرانی؛ فرصت‌ها و چالش‌ها». گفتارهایی درباره هویت ملی در ایران. گردآوری و تدوین: داود میرمحمدی. تهران: موسسه مطالعات ملی، تمدن ایرانی، 1383، ص 312 - 299.
- جنکینز، ریچارد. هویت اجتماعی. ترجمه تورج یاراحمدی. تهران: شیرازه، 1381.
- دهخدا، علی اکبر. لغت نامه، ج 15. زیر نظر محمد معین و سید جعفر شهیدی. تهران: دانشگاه تهران، 1377.
- رجایی، فرهنگ. مسئله هویت ایرانیان امروز: ایفای نقش در عصر یک تمدن و چند فرهنگ. تهران: نشر نی، 1382.
- شمشیری، بابک. درآمدی بر هویت ملی. شیراز: انتشارات نوید، 1387.
- عاملی، سعیدرضا. «دو جهانی شدن و آینده هویت‌های هم‌زمان». هویت ملی و جهانی شدن. تهران: موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی/ دانشگاه تهران، 1383، ص 60 - 39.
- قیصری، نورلله. «هویت ملی؛ مولفه‌ها، چگونگی پیدایش و تکوین آن». گفتارهایی درباره هویت ملی در ایران. گردآوری و تدوین: داود میرمحمدی. تهران: موسسه مطالعات ملی، تمدن ایرانی، 1383، ص 106 - 89.

گل محمدی، احمد. جهانی شدن، فرهنگ، هویت. تهران: نشر نی، 1381.

\_\_\_\_\_ «گفتمان‌های هویت ساز در عصر جهانی شدن.» هویت ملی و جهانی شدن. تهران: موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی/ دانشگاه تهران، 1383، ص 84 - 61.

گودرزی، حسین. جامعه‌شناسی هویت در ایران. تهران: موسسه مطالعات ملی/ تمدن ایرانی، 1384.

معین، محمد. فرهنگ فارسی. ج 4. تهران: امیرکبیر، 1379.

معینی علمداری، جهانگیر. «هویت ملی، رویکرد انتزاعی به خرده فرهنگ‌ها.» گفتارهایی درباره هویت ملی در ایران. گردآوری و تدوین: داود میرمحمدی. تهران: موسسه مطالعات ملی/ تمدن ایرانی، 1383، ص 70 - 43.

میرمحمدی، داود. «مقدمه گفتارهایی درباره هویت ملی.» گفتارهایی درباره هویت ملی در ایران. گردآوری و تدوین: داود میرمحمدی. تهران: موسسه مطالعات ملی/ تمدن ایرانی، 1383، ص 12 - 11.

هرمیداس باوند، داود. «چالش‌های برون مرزی و هویت ایرانی در طول تاریخ.» مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی. شماره 130 - 129. سال 1377. ص 31 - 20.

Erikson, Erik. «the problem of ego identity.» *identity and anxiety*. New York: the free press, 1960.

freud, Sigmund. «Consciousness and What is Unconscious.» *Identities: Race, Class, Gender, and Nationality*. edited by Lina Martin Alcoff and Eduardo Mendieta. United Kingdom: Blackwell press, 2003. p 29-31.

Herbert Mead, George. «The Self.» *Identities: Race, Class, Gender and Nationality*. edited by Lina Martin Alcoff and Eduardo Mendieta. United Kingdom: Blackwell press, 2003. p 32 - 42.

Herriot, Peter. *Religios Fundamentalism and social Identity*. New York: Routledge press, 2007.

*Questioning identity: gender, class, nation*. edited by kath woodward. New York: Routledge, 2000.



شروېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی